

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه چهارم

شک گرایی

Skepticism

شک گرایی (skepticism)

در این جلسه می خواهیم درباره خصلتی صحبت کنیم که مناقشه برانگیز است. صحبت از برخی از خصلت های فکری نظیر تواضع فکری معمولاً مخالفتی را بر نمی انگیزد و افراد حداقل در ظاهر قبول دارند ویژگی خوبی است. اما در مورد شک گرایی اینگونه نیست.

در تفکر نقادانه می گوئیم یکی از ویژگیهای بارز انسان متفکر و اندیشمند این است که به هر نظر و ایده ای شک میکند تا راه را برای ارزیابی مجدد و در صورت لزوم تجدید نظر باز نگه دارد.

اگر ادعا کنیم که در باره فلان موضوع یقین داریم و کوچکترین تردیدی در ما وجود ندارد، دیگر پنجره تفکر و اندیشه را بسته ایم چون معنای یقین این است که کوچکترین تردیدی وجود ندارد و جایی که تردید نباشد انسان معمولاً علاقه ای و انگیزه ای برای بررسی مجدد و سنجشگرانه اندیشی ندارد.

آنچه باید در اینجا مورد تاکید قرار گیرد این است که منظور از شک گرایی، ایجاد شکاکیت و بدبینی نیست. منظور این است که به هر باور و نظری شک کنیم تا مسیر برای بازاندیشی آن باز شود. چه بسیارند قوانین و باورهایی که بعد از بازاندیشی نقادانه عوض شده یا اصلاح شده اند و ایرادات آنها گرفته شده است.

زمانیکه همه دانشمندان و مردم عادی با اطمینان باور داشتند که زمین مرکز عالم است و حتی کلیسا هم این باور را تایید میکرد، نیکلاس کپرنیک این باور همگانی را به چالش کشید

و نشان داد این خورشید است که در مرکز منظومه شمسی قرار دارد و زمین به دور خورشید می چرخد.

شک گرایان مشروعیت برخی قوانین و باورها را زیر سوال میبرند. مثلاً سقراط مشروعیت خدایان یونان باستان را زیر سوال میبرد. دکارت بنیان فلسفه خود را بر شک گرایی قرار داد و سعی کرد به همه چیز شک کند جز خودش که می توانست بیندیشد و شک کند. برتراند راسل هم یکی از شک گرایان معروف است. او حاضر نبود در راه عقایدش جانش را فدا کند، چون میگفت شاید دچار اشتباه شده باشم.

اگر بخواهیم شک گرایی خردمندانه را از شک گرایی افراطی و غیر منطقی جدا کنیم میتوانیم این ویژگی اخلاقی را نیز روی یک محور فرضی صفر تا صد در نظر بگیریم و نقطه ایده آل را میانگین آن در نظر بگیریم.

نقطه صفر شک گرایی میشود جزم اندیشی. گرایش به جزم اندیشی در انسان زیاد است و با وجودی که کاملاً بطور تصادفی و اتفاقی در گوشه ای از این کره خاکی متولد میشود و باورهای موروثی جامعه خود را با ساده لوحی می پذیرد، متأسفانه نسبت به این باورها کوچکترین جای شک و شبهه ای باقی نمی گذارد و با جزمیت از آنها طرفداری میکند.

متفکر نقاد با دیده شک به باورها، نظریه ها، قوانین و رسم و رسوم جامعه نگاه میکند و سعی میکند با بررسی دقیق و بهره گیری از عقل، دور باورهای خرافی و نظریات نادرست را خط بکشد. این یعنی رسیدن به بلوغ فکری.

نقطه افراط در شک گرایی این است که انسان شکاکیت مطلق پیدا کند. یعنی به درجه ای از افراط در شک گرایی برسد که ادعا کند **انسان نمیتواند هیچ چیز را بداند**. اینها کسانی هستند که توانایی انسان را در فهمیدن زیر سوال میبرند. در اینجا البته **ناسازگاری یا خود-متناقضی** دیده میشود.

اگر از کسانی که به فهم انسان و درک انسان شک می کنند پرسیم شما از چه طریقی متوجه این مسئله شدید که درک و فهم برای انسان حاصل نمیشود میگویند از راه عقل و اینجا خود-متناقضی بروز میکند که با عقل خودشان فهمیدن عقل نمی تواند بفهمد.

سوفسطاییان که در یونان قرن پنجم قبل از میلاد در کنار فن سخنوری (rhetoric) تکنیک های مغالطه یا سفسطه را به جوانان یاد می دادند تا در بحث و استدلال برنده شوند کم کم به این نتیجه رسیدند که **اصلاح حق و حقیقتی مستقل از آنچه انسان اراده می کند، وجود ندارد.** انسان می تواند هر چه را بخواهد، حق یا باطل جلوه دهد. آنها را به این دلیل شکاکيون نیز می نامند. سقراط، افلاطون و ارسطو به مبارزه با سوفیست ها پرداختند. نتیجه تلاش آنها، تدوین علم منطق به وسیله ارسطو بود.

به این مسئله هم توجه داشته باشیم که مسئله شک گرایی بخصوص در حوزه دین همیشه مورد مناقشه بوده است. مثلاً برخی از مفسرین مسلمان در کنار دعوت به تفکر و تعقل در قرآن، به آیه شصت سوره آل عمران که در آن آمده است "حق همان است که از جانب پروردگار تو آمده است و از تردید کنندگان مباش" اشاره میکنند. و هر نوع شکی را صحیح میدانند.

سنجش میزان شک گرایی که نتیجه رشد عقلی و شکوفایی فکری است مهم است.

شما به چه نظریاتی شک دارید، چقدر اهل شک ورزی هستید؟

دقت داشته باشید متفکر نقاد کسی است که از یک سو از جزم اندیشی فاصله میگیرد و تعصب را کنار میگذارد. و از سوی دیگر دچار شکاکیت از نوعی که سوفیست ها و شکاکيون میشدند نمی شود.

تمرین عملی شما میتواند این باشد که در چه مواردی که دیگران با قطعیت قبول کرده اند شک میکنید و می خواهید بیشتر بدانید؟

متفکر نقاد ذهنی باز دارد (open-minded) و همیشه پذیرای شنیدن و فهمیدن دیگر ایده هاست، بر خلاف بعضی ها که گوش میکنند تا جواب بدهند، او گوش می کند تا بفهمد، تا بتواند تحلیل کند و بعد از آن ارزیابی مناسبی انجام دهد.

متفکر نقاد مسئولانه می اندیشد (Intellectual Responsibility). او تبعات و پیامدهای تفکر و اندیشه خود را در نظر می گیرد. گاهی از فکری که شما نشر می دهید فکری دیگر شکل میگیرد و گاهی از فکر و اندیشه ای که مطرح می کنید عملی را در پی دارد. باید مسئولانه اندیشید. کسی که با سخنانش افراطی گری را ترویج می کند در قبال کارهایی که افراد بی مغز انجام می دهند مسئول است. نمونه آن اسیدپاشی روی خانم ها در اصفهان و برخی دیگر از شهرها.

متفکر نقاد انتقاد پذیر است (Criticism Tolerance). او بازخوردها و نقدها را با آغوش باز می پذیرد و سعی میکند درجه تحمل خود را بالا ببرد. البته این بدان معنا نیست که زود تحت تاثیر دیگران قرار می گیرد و منفعلانه رفتار میکند.

در اینجا 14 خصلت فکری را توضیح دادیم. دلیل اینکه در برخی پرسشنامه ها مثل California CT Dispositions Inventory تعداد کمتری مثلاً شش یا هفت خصلت وجود دارد این است که این پرسش نامه ها برای سنجش طراحی شده اند نه برای آموزش از این رو میتوان با فاکتور آنالیز متغیرهای اضافی را حذف کرد و با تعداد کمتری سنجش را انجام داد و نتیجه را تعمیم داد. ولی چون هدف ما معرفی تفکر نقادانه و آموزش آن است به همه مواردی که فکر میکنیم ضروری است اشاره میکنیم.

به نظر ریچارد پال کسانی که جنبه مهارتی تفکر را دارا هستند اما از جنبه اخلاقی آن یعنی فضیلت های فکری به بهره هستند، تفکر نقادانه را در معنای محدود و ضعیف (weak sense) در اختیار دارند. پال کسانی را مد نظر قرار میدهد که هدفشان از فراگیری تکنیک های بحث و استدلال این است که بتوانند از دیگران سو استفاده کنند نه اینکه قصدشان این باشد که واقعیت ها را آنگونه که هست ببینند.

یک بار دیگر یادآور می‌شوم تفکر نقادانه را از دو بعد خصلت‌های فکری و مهارت‌های فکری ببینید. دانشجویانی که می‌خواهند در این زمینه پژوهش کنند و پایان‌نامه بنویسند به این دو جنبه از تفکر نقادانه توجه داشته باشند. پرسشنامه‌ها و روش گردآوری داده‌ها برای مهارت‌ها و خصلت‌های فکری با هم فرق دارد.

مثلاً وقتی می‌خواهید **correlation** بگیرید و ببینید چه رابطه‌ای بین تفکر نقادانه و متغیر دیگری مثل فرسودگی شغلی معلمان **teacher burnout** وجود دارد به این نکته که خصلت‌های فکری و مهارت‌های فکری با پرسشنامه‌های مجزایی سنجش میشوند توجه داشته باشید.

نکته دیگری که باید توجه کنیم اینست که نباید خصلت‌های فکری را در وضعیت خاموش و روشن دید. یعنی یا فردی شهامت فکری را به‌تمامی دارد و یا اصلاً این ویژگی را ندارد. بجای آن بهتر است وضعیت خصلت‌های فکری نظیر تواضع فکری را روی یک محور در نظر بگیرد که نقطه ایده‌آل آن حد وسط مطلوب باشد که قبلاً توضیح دادم

توجه به موضوع ارتباط درون‌سیستمی خصلت‌های فکری مهم است. تواضع فکری بدون داشتن شهامت فکری ایجاد می‌شود. برای اینکه همدلی فکری پیدا کنیم نیاز به پشتکار فکری داریم.